

عشق
مهمان

ویژه نامه محرم الحرام ۱۴۳۷ - شماره نهم
هیات دانشجویی خادمان مهدی (عج)

عاشقانه و کلام

مجله
عشق
مهمان

هیات دانشجویی خادمان مهدی (عج)

واجب فراموش شده ۹

عزادار امام حسین علیه السلام! سلام، یک لحظه...

سید الشهداء علیه السلام فرمودند: من برای اصلاح امت جدم و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم.

امروز کمی حواسمون به این جمله باشه و سعی کنیم فراموش نکنیم هنوز هم میشود حسین را یاری کرد؛ یعنی...

مثلا روز عاشورا که رسید منتظر صدای اذان باشیم تا با اقامه نماز اول وقت و دعوت دیگران به این عمل عاشورای خودمان را به معنای واقعی، حسینی کنیم. یادمان نرود تیرها و شمشیرها ارباب ما را از نماز باز نداشت، اجازه ندهیم چیزی ما را از نماز باز دارد.

یا مثلا توصیه و ترغیب کنیم به عزاداری در مساجد و نه عزاداری در خیابان ها که زمینه های گناه آمادست... مثلا سخته با این اوضاع نگاهمان به نامحرم نیفتد یا صدای دسته عزاداری مان مزاحم مردم نشود.

یا مثلا دست دوستان و آشنایانی که با هیأت و مسجد غریبه هستند به مراسمات عزاداری متناسب ببریم و آن ها را با زیبایی های کربلا و محبت امام حسین آشنا کنیم.

دو داستان از امر به معروف زیر کانه بهلول از مجموعه آثار شهید مطهری نقل می کنیم:

روزی بهلول به کاخ هارون الرشید قدم گذاشت. هارون در قصر نبود و فقط نگهبانان از کاخ محافظت و مراقبت می کردند بهلول در قصر قدم زد و به تخت پادشاهی هارون الرشید رسید. تخت خالی بود و بهلول به سمت تخت حرکت کرد و روی آن نشست. نگهبان ها عصبی شدند و همانطور که خشمگین شده بودند به سمت بهلول حمله بردند و او را با کتک از تخت بیرون کشیدند؛ ساعتی بعد هارون الرشید به کاخ خویش برگشت و بهلول را گریان مشاهده کرد..نگهبانان را صدا زد و سبب و علت گریه های بهلول را پرسید.

نگهبانان کل قضیه را برای هارون الرشید تعریف کردند.

هارون به قصد دلجویی نزد بهلول رفت و گفت: گریه نکن من نگهبانان را ادب خواهم کرد. بهلول به هارون نگاهی کرد. گفت من برای خود گریه نمی کنم بلکه به حال تو گریه می کنم زیرا من برای لحظه ای روی تخت تو نشستم و این همه کتک خوردم تو که تمام عمر بر این تخت نشسته ای چه کتکی خواهی خورد؟! و اما داستان دوم: معروف است که بهلول که مرد عاقلی بود ولی خودش را به دیوانگی زده بود و به همان عالم دیوانگی سر به سر بزرگان و اکابر می گذاشت و شوخی شوخی حقایق را به آنها می گفت (می گویند قوم و خویش و پسرعموی هارون هم بود) می رفت و به هارون به همان عالم دیوانگی اش حرفهایی را که هیچ عاقلی جرأت نمی کرد بگوید می زد. یک وقتی از جایی می گذشت، دید که دارند مسجدی می سازند. رفت به آن بانیان مسجد گفت که چکار می کنید؟ گفتند: مسجد می سازیم. گفت: مسجد برای چه می سازید؟ گفتند: مسجد را برای خدا می سازیم. محرمانه رفت دستور داد تابلویی را روی سنگی درست کردند به نام مسجد بهلول. همین که این سنگ را درست کردند یک شب نصف شب - که کسی نفهمید - رفت آن را در سردر مسجد زد، یک تابلوی خیلی بزرگی: مسجد بهلول. فردا صبح مردم آمدند نگاه کردند دیدند در سردر این مسجد تازه ساز نوشته مسجد بهلول. خود صاحب کارها آمدند و دیدند. ناراحت و عصبانی شدند، زدند تابلو را کردند و ریختند دور. بهلول را گیر آوردند، کتکش زدند و گفتند: این چه کاری بود که کردی؟ چرا نوشتی مسجد بهلول؟ گفت: چه عیبی داشت؟ گفتند: این همه پول ما خرج کردیم که مسجد به نام تو باشد؟! گفت: برای کی خرج کردید؟ برای خدا خرج کردید یا برای مردم؟

اگر برای خدا خرج کردید که خدا اشتباه نمی کند. اگر من نوشتم «مسجد بهلول» آیا خدا در حسنات من می نویسد؟ خدا در حسنات شما می نویسد. و اما اگر برای مردم خرج کردید پس چرا می گویند که ما برای خدا کردیم. پس بر خودتان مطلب را مشتبه نکنید.

خواب غفلت

مسلمانان در دوران بنی امیه عموماً و در عصر حاکمیت معاویه و یزید خصوصاً دشمن شناس نبودند. آنها نمی دانستند که بنی امیه جانشینان بر حق رسول الله (صلی الله علیه وآله) نیستند و بنی امیه دلسوز و حامی اسلام نمی باشند و جهل آنها به خاطر تقصیر و کوتاهی شان بود و لذا جاهل مقصر بودند. آیا آنها نمی دانستند بنی امیه بازماندگان دوران جاهلیتند و کینه دیرینه ای از اسلام دارند و هنوز خاطره تلخ کشته شدن عزیزانشان را در جنگ های بدر و احد و احزاب فراموش نکرده اند و درصدد انتقام آن خون ها هستند. و از آنجا که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) پیش بینی این روزها را می کرد خلافت را بر آل ابوسفیان حرام کرد. این مطلب در روایات متعدّد، از جمله گفتگوی امام حسین (علیه السلام) و مروان بن حکم منعکس شده است. شبی که امام حسین (علیه السلام) به دارالاماره مدینه خوانده شد و خبر مرگ معاویه به آن حضرت ابلاغ گشت و از وی تقاضای بیعت برای یزید شد و حضرت موافقت نکرد، فردای آن شب مروان امام (علیه السلام) را در کوچه ملاقات کرد. خطاب به حضرت عرض کرد: یا ابا عبدالله! من خیر خواه تو هستم و پیشنهادی برایت دارم که اگر بپذیری به خیر و صلاح شماست! امام (علیه السلام) فرمود: پیشنهادت چیست؟ عرض کرد: همان گونه که دیشب در مجلس ولید بن عتبه گفتم، شما با یزید بیعت کنید که این کار به نفع دین و دنیای شماست! امام (علیه السلام) فرمود: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم. هر زمان مسلمانان به فرمانروایی همچون یزید بن معاویه گرفتار شوند باید فاتحه اسلام را خواند. بی شک از جدّم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: «خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است و اگر روزی معاویه را بر بالای منبر من دیدید او را بکشید» و مردم مدینه او را بر فراز منبر آن حضرت دیدند و نکشتند و در نتیجه خداوند آنها را مبتلا به یزید فاسق کرد. (۱) مروان

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مَتَا تَنَافَسَ فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَا سَاءَ مِنْ فُضُولِ الْخُطَامِ وَلَكِنْ لِنُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَيَعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَّتِكَ وَأَحْكَامِكَ»؛ (بار خدایا! تو خوب می دانی که قیام من به خاطر سلطنت بر مردم و دستیابی به زرق و برق دنیا نبود، بلکه هدف من از این قیام ارایه معالم و نشانه های دینت به مردم و اصلاح بلاد و شهرها و ایجاد امنیت برای بندگانت و عمل به فرایض و سنت ها و احکام توست). (۲)

می دانیم امام حسین (علیه السلام) قبل از حرکت به سوی کوفه نماینده مخصوص خود، مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد و او از مردم برای امام (علیه السلام) بیعت گرفت. آیا این بیعت جز برای تشکیل حکومت بود؟! اگر معتقدیم که امام حسین (علیه السلام) چراغ هدایت و کشتی نجات انسانهاست، باید این شعار امام حسین (علیه السلام) و سایر شعارها و اهداف آن حضرت را در تمام سرزمین ها در طول تاریخ تحقق ببخشیم.

عده ای از مردم بی وفا و ضعیف الایمان کوفه دست از یاری امام (علیه السلام) برداشته، و مانع عملی شدن این هدف مقدس امام حسین (علیه السلام) شدند. اما امروز که مسلمانانی با وفا و قوی الایمان وجود دارند، و حاضرند تمام هستی خود را در راه امام حسین (علیه السلام) تقدیم کنند، چرا سخن از اهداف امام (علیه السلام) و تشکیل حکومت اسلامی در سرتاسر کره زمین و یا آماده ساختن جهان برای حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) گفته نشود؟

مگر ممکن است دین از سیاست جدا شود؟ حکومت منهای دین حکومتی ظالمانه، و دین بدون حکومت، دینی بسیار کم ثمر خواهد بود. (۳)

پی نوشت:

(۱). کافی، ج ۲، کتاب الایمان والکفر، باب دعائم الاسلام، ح ۵.

(۲). بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۸۰.

(۳). گرد آوری از کتاب: اهداف قیام حسینی، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۹ ه. ش، ص ۸۶.

اسلم بن عمرو

اسلم غلامی بود که امام حسین علیه السلام او را پس از خریداری آزاد کردند. او همیشه در خدمت امام علیه السلام بود. حتی پسر او به عنوان کاتب امام حسین علیه السلام در کنار آن حضرت به سر می برد. اسلم از همان ابتدا به همراه امام حسین علیه السلام از مدینه خارج شد و لحظه ای از امام زمانش جدا نشد. وقتی در روز عاشورا اجازه گرفت که با دشمنان اهل بیت علیه السلام بجنگد این شعر را زمزمه می کرد: «امیری حسین و نَعَمَ الامیر، سُرور الفؤاد البشیر النذیر؛ پیشوا و رهبر من حسین است و حقا که چه رهبر خوبی است. او مایه سرور دل ها و بشیر و نذیر است». وقتی پس از جهاد دلیرانه بر زمین افتاد امام حسین علیه السلام او را در آغوش گرفتند و صورت خود را بر صورت او نهادند. اسلم بن عمرو با دیدن این صحنه لبخندی زد و گفت: «چه کسی مثل من از این افتخار برخوردار است که پسر پیغمبر صورت بر صورتش بگذارد؟» این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

اگر عباس علیه السلام امروز می بود...

اگر عباس علیه السلام به عنوان یک امام شناس بصیر در یک شبکه اجتماعی یا ماهواره ای ظاهر می گشت به دنبال وحدت دنیای اسلام و همدلی امت پیامبر صلی الله علیه و آله می بود یا دنبال اختلاف افکنی و توهین به مقدسات این و آن؟! در عزای سالار شهیدان زار زار می گریست یا این که به جای گریستن زنجیر تیغ دار بر پشت خود می کشید و از روی آتش و میخ و سیخ راه می رفت و به تعبیر برخی از مدعیان «عزاداری خون» به راه می انداخت؟! مگر نه این است که فاطمه زهرا سلام الله علیها امامت را مایه وحدت امت شمرد؟! پس چگونه است که از برخی حنجره ها و حلقوم ها صدای تفرقه و اختلاف افکنی بلند است؟!

بزرگترین درس عاشورا دشمن شناسی و شناختن دشمن اصلی است تا به جای پرتاب تیر به سمت وی به جبهه خودی خنجر نزنیم! بله این نگاه به عاشورا است که از آن هشت سال دفاع مقدس و جان بر کفی بر می خیزد و این الگوسازی عباس علیه السلام در شجاعت و بصیرت و ولایت پذیری برای جوانان است که از آن، دفاع از حرم حاصل می شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم هر کس ببیند که پادشاه و سلطه ظالمانه ای، حلال خدا را حرام می شمارد و عهد خداوند را نقض می کند و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت می نماید، اگر هیچ عکس العمل زبانی و عملی از خود نشان ندهد بر خداوند واجب است که او را در همان جهنمی ببرد که آن ظالم را برده و من شایسته ترین فردی هستم که باید عکس العمل نشان دهم! خلاصه، عده ای به جای سرمشق قرار دادن این کلام ابی عبد الله علیه السلام می گویند ما فقط عزاداری می کنیم و به مسائل سیاسی کاری نداریم!! پس چه شد پیروی از امیر مومنان علیه السلام و چه شد تبری از داعش و پدر وی آمریکای جهانخوار؟! چه شد درس از حسین بن علی علیه السلام و فدا کردن خود در راه حقیقت و قیام علیه ظلم؟! سوق دادن هیئات و جلسات مذهبی به سمت بی توجهی به مسائل کلان امت اسلامی چیزی جز تحریف مقاصد اصلی عاشورا نیست و هر کس که به چنین چیزی دامن می زند دانسته یا ندانسته خیانتی بزرگ را مرتکب می شود که قطعاً باید در پیشگاه خداوند و خصوصاً امام حسین علیه السلام پاسخگو باشد. آری بزرگترین درس عاشورا دشمن شناسی و شناختن دشمن اصلی است تا به جای پرتاب تیر به سمت وی به جبهه خودی خنجر نزنیم!

معرفی کتاب « منشور ستایشگری »

گردآورنده کتاب: عبدالامیر فائق / سخنران: سید علی خامنه ای / ناشر: خیمه کتاب « منشور ستایشگری » زیر نظر هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی و با تدوین و گردآوری « عبدالامیر فائق »، نویسنده و پژوهشگر دینی و عضو هیئت علمی بنیاد، منتشر شده است. این کتاب گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به ستایشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است که مؤلف در آن رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان گذشته درباره موضوع مداحی و ستایشگری اهل بیت عصمت و طهارت را به صورت طبقه بندی و مبوب ارائه می نماید. در این کتاب موضوعاتی نظیر جایگاه مداحی، وظایف اخلاقی، فنی و هنری مداحان و همچنین آسیب شناسی عرصه های مختلف این رشته و بایسته ها و نبایسته های این رسانه تأثیرگذار توضیح و تبیین می شوند.



سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۲۸۴۸
WWW.KHADEMAN.COM

#۵۴۷۹۸۳*۴*۷۳۳* کمک به برنامه های
هیات دانشجویی خادمان مهدی (عج)